

لاودیکیه - شماره پنج

سه‌تای آخر

Jeff Pippenger

2023-09-03

در حالت ایدئال، هفت کلیسا و هفت مَهر باید به‌عنوان نمادهای موازی که خطوط داخلی و خارجی همان تاریخ را نمایندگی می‌کنند، فهمیده شوند. همچنین شایان توجه است که هنگام بررسی سه کلیسای آخر و سه مهر آخر، خط تاریخی نمایانگر تاریخ پیش‌رونده، موضوع اصلی این نمادها نیست. وقتی کلیساها در بستر تاریخ‌های موازی به‌کار گرفته می‌شوند، پیشروی تاریخ عنصری اساسی در نمادپردازی است؛ اما چنین نیست هنگامی که سه کلیسای آخر و سه مهر آخر به‌عنوان نمادی مستقل در نظر گرفته می‌شوند.

سه کلیسای آخر، به‌عنوان نماد، به رابطه سه گروه و پویایی تعامل سه گروه از پرستندگانی می‌پردازد که توسط کلیساهای گوناگون نمایندگی می‌شوند. سه مهر آخر، قوم خدا را، آن‌گونه که به‌وسیله موسی و ایلیا نمایندگی می‌شود، مشخص می‌کنند. ایلیا نماینده صد و چهل و چهار هزار نفر است و موسی نماینده عادلان درگذشته.

و چون مهر پنجم را گشود، دیدم زیر مذبح نفوس کسانی را که به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادتی که داشتند، کشته شده بودند؛ و با صدای بلند فریاد برآورده، می‌گفتند: «تا به کی، ای خداوند قدوس و حقیقی، بر ساکنان زمین داوری نمی‌کنی و خون ما را از آنان انتقام نمی‌گیری؟» و به هر یک از ایشان جامه‌های سفید داده شد؛ و به ایشان گفته شد که اندک زمانی دیگر آرام گیرند، تا همخادمانشان و نیز برادرانشان که می‌بایست مانند ایشان کشته شوند، کامل گردند. و چون مهر ششم را گشود، ناگاه زلزله‌ای عظیم روی داد؛ و خورشید چون پلاس مویی سیاه شد و ماه چون خون گردید؛ و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، چنان‌که درخت انجیر، هنگامی که باد سخت آن را بلرزاند، میوه‌های نارس خود را می‌افکند. و آسمان چون طوماری که به هم پیچیده می‌شود، برچیده شد؛ و هر کوه و هر جزیره از جای خود جابه‌جا شدند. و پادشاهان زمین و بزرگان و توانگران و سرداران و نیرومندان و هر برده و هر آزاد، خود را در غارها و در صخره‌های کوه‌ها پنهان کردند؛ و به کوه‌ها و صخره‌ها گفتند: «بر ما فرو افتید و ما را از روی او که بر تخت نشسته است، و از خشم بره پنهان سازید؛ زیرا روز بزرگ خشم او فرا رسیده است؛ و کیست که بتواند بایستد؟» مکاشفه ۹:۶-۱۷.

خواهر وایت به ما اطلاع می‌دهد که مهر پنجم به «دوره‌ای در آینده» مربوط است. آیات مهر پنجم می‌پرسند که خدا چه زمانی نهاد پاپی را به‌خاطر کشتن قوم خدا در دوران قرون وسطای تاریک داوری خواهد کرد. پاسخ داده شد که در «ایام آخر»، خدا نهاد پاپی را به‌خاطر آن قتل‌ها و نیز به‌خاطر گروه دیگری از شهدا که در جریان بحران قانون یکشنبه نیز به دست نهاد پاپی کشته خواهند شد، داوری خواهد کرد.

«و هنگامی که مهر پنجم را گشود... [مکاشفه ۹:۶-۱۱]. در اینجا صحنه‌هایی به یوحنا نشان داده شد که در واقعیت نبودند، بلکه مربوط به دوره‌ای از زمان در آینده بودند.» Manuscript Releases، جلد ۲۰، ۱۹۷.

الهام همچنین تأیید می‌کند که نفوس زیر مذبح، که می‌خواهند بدانند خدا چه زمانی بر قدرت پاپی داوری خواهد کرد، با دو ندای آن فرشته‌ای که در باب هجدهم مکاشفه زمین را با جلال خود روشن

می‌سازد، مرتبطاند.

وقتی مهر پنجم گشوده شد، یوحنا، صاحب مکاشفه، در رؤیا دید که در زیر قربانگاه جماعتی هستند که به خاطر کلام خدا و شهادت عیسی مسیح کشته شده بودند. پس از این، صحنه‌هایی که در باب هجدهم مکاشفه توصیف شده‌اند پدید آمد، زمانی که کسانی که وفادار و راستین‌اند از بابل فراخوانده می‌شوند. مکاشفه ۱۸:۱-۵ نقل شده. Manuscript Releases، جلد ۲۰، ۱۴.

در مکاشفه ۱۸، داوری کاتولیسیم دو برابر است، زیرا در آنجا و در همان زمان او نه تنها به خاطر کسانی که در «ایام آخر» به قتل خواهد رساند، بلکه همچنین به خاطر قربانیان قتل در دوران تاریک حاکمیت پاپی مجازات می‌شود.

و صدای دیگری از آسمان شنیدم که می‌گفت: ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلاهایش نصیبی نبرید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است و خدا معصیت‌های او را به یاد آورده است. او را همان‌گونه که به شما جزا داد، جزا دهید، و بر حسب اعمالش دوچندان به او بدهید؛ در جامی که پر کرده است، برایش دو برابر بریزید. مکاشفه ۱۸:۴-۶.

مهر ششم یکی از نمونه‌های کلاسیک کتاب مقدس از رویدادهایی را ارائه می‌دهد که بلافاصله پیش از بازگشت دوم مسیح، در خلال هفت بلای آخر رخ می‌دهند. این مهر با مقدمه‌ای بر فصل هفتم مکاشفه خاتمه می‌یابد؛ فصلی که پاسخ پرسشی را می‌دهد که در آخرین آیه مهر ششم مطرح شده است: «کیست که بتواند بایستد؟» دو گروه هستند که در بحران قانون یکشنبه، به‌عنوان بیرق خدا برپا خواهند ایستاد؛ بحرانی که با فرارسیدن هفت بلای آخر پایان می‌یابد. این دو گروه عبارت‌اند از صد و چهل و چهار هزار نفر که نماینده‌شان ایلیا است، و «جمهور عظیم» که نماینده‌شان موسی است. این دو نماد موسی و ایلیا پیش‌تر به‌عنوان کسانی که در پایان جهان خواهند ایستاد شناسایی شده‌اند، زیرا هر دو بر کوه تجلی در کنار مسیح ایستادند.

به گروه نخست شهیدان پاپی دوران تاریک جامه‌های سفید داده شد، و گروه دومی که به آنان گفته شد منتظر بمانند تا آن گروه کامل شود، همان «جمعیت عظیم» است که آنان نیز جامه‌های سفید بر تن دارند. مهر پنجم و ششم تاریخ موازی کلیساهای پنجم و ششم را ارائه نمی‌کنند؛ بلکه شهادت می‌دهند درباره دو گروه که در «ایام آخر» به منزله بیرقی برای خداوند قد علم می‌کنند. این دو گروه همان کسانی‌اند که پیام‌های دو صدا را در مکاشفه باب هجده اعلام می‌کنند. پیامی که آنگاه اعلام می‌شود با ریزش روح‌القدس همراه است، چنان‌که نمونه‌اش را در تاریخ پنتیکاست و تاریخ فریاد نیمه‌شب در آغاز ادونتیسیم می‌بینیم.

آن فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم هم‌صدا می‌شود، باید سراسر زمین را با جلال خود روشن سازد. در اینجا از کاری با دامنه‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ جلوه‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته نخست به هر ایستگاه میسیونری در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگ‌ترین علاقه و شور دینی پدید آمد که از زمان اصلاح دینی قرن شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها نیز با جنبش نیرومندی که تحت آخرین هشدار فرشته سوم برخواهد خاست، پشت سر گذاشته خواهد شد.

این کار همانند کار روز پنتیکاست خواهد بود. چنان‌که "باران پیشین" در ریزش روح‌القدس در آغاز انجیل عطا شد تا بذر گرانها برآید، همان‌گونه "باران پسین" نیز در پایان آن داده خواهد شد تا خرمن برسد. "آنگاه خواهیم شناخت، اگر در پی شناخت خداوند باشیم؛ برآمدن او همچون صبح مهیا است؛ و نزد ما خواهد آمد چون باران، همچون باران پسین و پیشین بر زمین." هوشع ۳:۶. "پس شاد باشید، ای فرزندان صهیون، و در خداوند خدای خود شادی کنید؛ زیرا برای شما باران پیشین را به‌موقع عطا کرده است، و برای شما باران را فرو خواهد فرستاد، باران پیشین و باران

پسین. " یوئیل 2:23. "در روزهای آخر، خدا می‌گوید: از روح خود بر همه بشر خواهم ریخت." و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت." اعمال رسولان 2:17، 21.

کار بزرگ انجیل قرار نیست با جلوه‌ای از قدرت خدا کمتر از آنچه آغازش را مشخص ساخت، پایان پذیرد. پیشگویی‌هایی که در ریزش باران اول در آغاز انجیل تحقق یافتند، در پایان آن در باران آخر دوباره تحقق خواهند یافت. اینجاست «زمان‌های تازگی» که رسول پطرس چشم‌انتظارش بود، هنگامی که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا زمان‌های تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال ۳:۱۹، ۲۰. نبرد عظیم، ۶۱۱.

پس از آنکه مهر ششم پرسشی را مطرح می‌کند که به معرفی ایلیا و موسی ذکر شده در باب هفتم مکاشفه می‌انجامد، مهر هفتم گشوده می‌شود و فرو ریختن روح‌القدس بر آن دو گروه را توصیف می‌کند. شایان ذکر است که در این توصیف، سکوتی به مدت نیم ساعت وجود دارد. فرو ریختن باران پسین که با گشوده شدن مهر هفتم به تصویر کشیده شده است، دوره‌ای از سکوت را نیز دربر می‌گیرد.

و چون مهر هفتم را گشود، در آسمان سکوتی نزدیک به نیم ساعت برقرار شد. و هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده بودند دیدم؛ و به آنان هفت شیپور داده شد. و فرشته‌ای دیگر آمد و نزد مذبح ایستاد و عودسوزی زرین در دست داشت؛ و بخور بسیار به او داده شد تا آن را همراه با دعا‌های همه مقدسان، بر مذبح زرین که در برابر تخت بود، تقدیم کند. و دود بخور، که با دعا‌های مقدسان بود، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت. و فرشته عودسوز را برگرفت و آن را از آتش مذبح پر کرد و به سوی زمین افکند؛ و صداها و رعدها و برق‌ها و زلزله‌ای پدید آمد. مکاشفه ۸:۱-۵.

همان‌گونه که به تازگی در قطعه‌ای از کتاب «مناقشه عظیم» یاد شده است، باران آخر هنگامی آغاز به فرو ریختن می‌کند که فرشته‌ای نیرومند فرود آید و زمین را با جلال خود روشن کند. باران آخر زمانی آغاز شد که «ساختمان‌های بزرگ شهر نیویورک فرو ریختند» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آنجا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، باران پسین آغاز به باریدن کرد و ریزش آن باران بر کسانی فرود می‌آید که ایلیا و موسی نماینده آنان اند و دوره‌ای از سکوت را نیز دربر می‌گیرد. دوره‌ای از سکوت برای موسی و ایلیا همچنین در باب یازدهم مکاشفه نمایانده شده است، جایی که موسی و ایلیا، آن دو پیامبری که جهان را عذاب می‌دادند، در خیابان‌ها «کشته شدند». اما پس از سه روز و نیم از غار حوریب بیرون آمدند و به آسمان عروج کردند. در تاریخ باران پسین، آن پیامی که به وسیله آن دو فرستاده نمایانده می‌شود، کشته و به خیابان افکنده می‌شود، اما تا زمانی که دوباره زنده شوند به خاک سپرده نمی‌شود. این یکی از حقایق اصلی است که شیر قبیله یهودا اکنون مهر از آن برمی‌دارد.

سه مهر پایانی، جنبش نهایی قوم خدا را، همان‌گونه که توسط ایلیا و موسی نمایندگی می‌شود، مشخص می‌کنند. آن جنبش می‌میرد و دوباره زنده می‌شود. این یک جنبش است، زیرا ادونتیسیم با یک جنبش آغاز شد که تا سال ۱۸۶۳ ادامه داشت، زمانی که نخستین حقیقتی را که ویلیام میلر به شناخت آن هدایت شده بود کنار گذاشتند. در سال ۱۸۶۳ آن جنبش پایان یافت، زیرا در همان سال از نظر قانونی به یک کلیسا تبدیل شدند. آلفا و امگا اصرار دارد که اگر او قوم بازمانده خویش را به صورت یک جنبش آغاز کرده است، آن را نیز به صورت یک جنبش پایان خواهد داد.

اکنون مرور کلی بر هفت کلیسا و هفت مهر را به پایان رسانده‌ایم. در سه مهر آخر، دو طبقه از رستگاران را می‌بینیم که موسی و ایلیا نماینده آنان هستند. آن مهرها همگی به فرشته نیرومند مکاشفه هجده شهادت می‌دهند. هنگامی که او در 11 سپتامبر 2001 فرود آمد، دو طبقه از رستگاران وارد فرایند تطهیر شدند؛ فرایندی که برای آشکار ساختن و جداسازی دو طبقه عبادت‌کننده در درون آن حرکت، در پایان ادونتیسیم، طراحی شده بود، همان‌گونه که حرکت آغاز ادونتیسیم پیش‌نمونه آن را ارائه کرده بود. دانیال مشخص می‌کند که یک طبقه، که آن را «شریران» می‌نامد، افزایش معرفت را درک نخواهند کرد، اما «حکیمان» آن را درک می‌کنند. متی به ما اطلاع می‌دهد که کسانی که فهم دانشی را که مهرش گشوده شده است ندارند، در شمار دوشیزگان جاهل شناخته می‌شوند. دوشیزگان عاقل در بحران نیمه‌شب نشان می‌دهند که افزایش معرفت را فهمیده و دارا هستند. عاقلان و جاهلان به ترتیب با کلیسای فیلادلفیا و کلیسای لاودیکیه نمایندگی می‌شوند. دوشیزگان جاهل شریر لاودیکیه از دهان خداوند قی خواهند شد و عاقلان نام خدا، یا سیرت او را بر پیشانی‌های خود دریافت می‌کنند. اگر کلیسای ششم، یعنی فیلادلفیا، نماینده عاقلان است، چگونه است که کلیسای هفتم، یعنی لاودیکیه، نماینده شریران باشد؟ در این صورت، ترتیب به هم خورده است، مگر نه؟ پاسخ، البته، به وسیله آلفا و امگا روشن می‌شود.

در آغاز نخستین قومی که قوم خدا نامیده می‌شد، یعنی اسرائیل باستان، موسی نماد مسیح در پایان آن قوم بود.

زیرا موسی به راستی به پدران گفت: خداوند خدای شما از میان برادرانتان برای شما پیامبری مانند من برخواهد برانگیخت؛ او را در هر آنچه به شما بگوید، خواهید شنید. و چنین خواهد شد که هر نفسی که به آن پیامبر گوش ندهد، از میان قوم نابود خواهد شد. اعمال رسولان ۳:۲۲، ۲۳.

در پایان نخستین قوم نامیده شده خدا، یوحنا تعمیددهنده پیام‌آور ایلیا بود که راه را برای نخستین آمدن مسیح آماده کرد. سپس عیسی قربانی خود را بر صلیب تقدیم کرد و پس از آن خدمت کاهنی خود را به عنوان کاهن اعظم در بخش قدس معبد آسمانی آغاز نمود. در آغاز دومین قوم نامیده شده خدا، یعنی اسرائیل معاصر، ویلیام میلر پیام‌آور ایلیا بود که راه را برای آمدن دوم مسیح آماده کرد. سپس عیسی ناگهان وارد قدس‌الاقداس شد و داوری را آغاز کرد. در پایان دومین قوم نامیده شده خدا، یک پیام‌آور نهایی ایلیا راه را آماده کرد برای این که مسیح داوری زندگان را آغاز کند، خدمت خود را به عنوان کاهن اعظم آسمانی به پایان برساند، و آمدن دوم خویش را محقق سازد.

ویلیام میلر نه تنها نماد پیام‌آور است، بلکه نماد جنبشی نیز هست که با آن پیوند داشت.

با لرزشی، ویلیام میلر آغاز کرد به گشودن اسرار ملکوت خدا برای مردم و شنوندگان خود را از خلال نبوت‌ها تا ظهور دوم مسیح پیش برد. او با هر تلاشی نیرومندتر می‌شد. همان‌گونه که یحیی تعمیددهنده آمدن نخستین عیسی را اعلام کرد و راه را برای آمدنش آماده ساخت، ویلیام میلر و کسانی که با او همراه شدند نیز ظهور دوم پسر خدا را اعلام کردند....

«هزاران نفر هدایت شدند تا حقیقتی را که ویلیام میلر موعظه می‌کرد بپذیرند، و خادمان خدا در روح و قدرت ایلیا برانگیخته شدند تا پیام را اعلام کنند.» نوشته‌های اولیه، 229، 230، 233.

در آغاز اسرائیل باستان، خدا موسی را فراخواند؛ موسی چهل سال تعلیم آلوده در مصر دیده بود، و زدودن اثر مصر از شخصیت او نیازمند چهل سال زندگی در بیابان بود. چهل سال پس از تولدش، وقتی دریافت که برای بیرون آوردن قوم خدا از مصر برگزیده شده است، موسی با اتکای به قوت انسانی یک مصری را کشت. چهل سال بعد، نزد بوتِه سوزان، او بر ضد دعوت خدا عصیان کرد. پس از آنکه سرانجام دعوت را پذیرفت، فرمان ختنه کردن پسرش را نادیده گرفت تا آنگاه که با تهدید مرگ روبه‌رو شد. در مرز سرزمین موعود، نافرمانی کرد و برای بار دوم به صخره ضربه زد. در آغاز اسرائیل باستان، موسی ویژگی‌های شخصیتی یک لاودیکایی را داشت. با این همه، او همچنان دعوت بلند و مقدس خود را به انجام رساند، از جمله ایفای نقش نمادین مسیح در پایان اسرائیل باستان. مسیح که با یهودیان خرده‌گیر — یا آنان که می‌گفتند یهودی‌اند، اما نبودند — دست و پنجه نرم می‌کرد، نمایانگر شخصیت یک فیلادلفیایی بود. در آغاز اسرائیل باستان، موسی نماینده یک لاودیکایی نیازمند طلا، مرهم چشمی و جامه سفید بود. در پایان، مسیح یک فیلادلفیایی است.

در آغاز ادونتیسیم، ویلیام میلر، که توسط آن معدود افراد در ساردیس که لباس‌های خود را نیالوده بودند نمایندگی می‌شد، نمایانگر یک فیلادلفی بود، همان‌گونه که جنبش مرتبط با او نیز چنین بود. در پایان ادونتیسیم، جنبشی که در سال ۱۹۸۹ زمان پایان را شناخت، به همان اندازه لاودیکی بود که موسی بود. جنبش میلری نمونه‌ای از جنبش فیوچر فور آمریکا است با این قید نبوی که جنبش نخست توسط فیلادلفی‌ها در زمان فیلادلفیا تحقق یافت و جنبش آخر توسط لاودیکی‌ها در زمان لاودیکه تحقق می‌یابد.

من، بیش از هر فرد دیگری که با تاریخ Future for America مرتبط بوده، از سال ۱۹۸۹ تاکنون شاهد بخش بیشتری از تاریخ نبوتی این جنبش بوده‌ام و شهادت می‌دهم که شخصاً از ۱۹۸۹ به بعد این تاریخ را در مقام یک ادونتیسیت لاودیکایی محرز از سر گذرانده‌ام. نفوس بسیاری در آن مسیر هستند که شهادت مرا تأیید می‌کنند. همچنین با یقین شهادت می‌دهم که کسانی که در مقطع پایان ادونتیسیم با این جنبش مرتبط بودند نیز ادونتیسیت‌های لاودیکایی محرز بودند. نخستین قوم نام‌گذاری شده با یک لاودیکایی آغاز می‌شود که به یک فیلادلفی تبدیل می‌گردد و با یک فیلادلفی پایان می‌یابد. قوم نام‌گذاری شده دوم با یک فیلادلفی آغاز می‌شود و با یک لاودیکایی که فراخوانده شده تا فیلادلفی بشود پایان می‌یابد. این امضای آلفا و امگاست.

با وجود کوری روحانی رقت‌انگیز و فلاکت‌بار رهبر و کسانی که با او همراه شدند، خدا همچنان نشانه‌های راه نبوی را که از ۱۹۸۹ تا کنون رخ داده‌اند، هدایت و کنترل می‌کرد. با وجود برهنگی و فقر روحانی رهبر و کسانی که با او همراه شدند، خدا همچنان بازگشایی حقایقی را که صلاح دید گشوده شوند، هدایت می‌کرد. او در رحمتش که هرگز از «حقیقت»ش جدا نیست، فرایند پالایشی‌ای را طرح کرد که امکان می‌داد تا یک لاودیکایی بمیرد و سپس به‌عنوان یک فیلادلفیایی دوباره زنده شود. آن مرگ و رستاخیز به‌وسیله نویسندگان کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمادپردازی شده بود؛ هر دو به‌طور نمادین کشته و دوباره زنده شدند. یوحنا که به دیگری از روغن جوشان افکنده شده بود، به زندگی بازگردانده شد؛ دانیال نیز از لانه شیران گرسنه. از این رو، این دو کتاب که در حقیقت یک کتاب‌اند، بر نماد مرگ و رستاخیز به‌عنوان بخشی از پیامی که اکنون در حال گشوده شدن است، تأکید می‌نهند.

به‌عنوان جنبشی در «روزهای آخر» داوری تحقیقی (که نمونه‌اش جنبش میلری بود)، هرچه به پایان زمان نزدیک‌تر می‌شد، خدا مقرر کرده بود که رهبر و آن جنبش کشته شوند و پس از آن دوباره زنده شوند. در زمینه هفت کلیسا، لاودیکه در 18 ژوئیه 2020 کشته شد و پیش از قانون یکشنبه‌ای که در راه است، به‌صورت فیلادلفیا زنده خواهد شد. جنبش دوباره زنده شده از هفت کلیسا خواهد بود، اما هشتمی خواهد بود. آن جنبش هشتمی خواهد بود، یعنی از میان همان هفت.

این راز نبوی در کتاب مکاشفه بر پایه چندین شاهد تأیید می‌شود، هرچند تا پیش از این شناخته نشده بود. در این دوره زمانی اکنون وارد آزمون تصویر وحش می‌شویم؛ آزمونی که به گفته خواهر وایت پیش از قانون یکشنبه فرا می‌رسد. در هنگام قانون یکشنبه است که مهر خدا بر فیلادلفیان آن دوره نهاده می‌شود. اما آنان باید از آزمون تصویر وحش که پیش از بسته شدن مهلت فرا می‌رسد، بگذرند.

خداوند به روشنی به من نشان داده است که شمایل وحش پیش از پایان یافتن مهلت آزمایشی شکل خواهد گرفت؛ زیرا قرار است آزمون بزرگی برای قوم خدا باشد که به وسیله آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد. موضع شما چنان در هم‌وبره‌می از ناسازگاری‌هاست که تنها معدودی فریب خواهند خورد.

در مکاشفه ۱۳ این موضوع به روشنی بیان شده است؛ [مکاشفه ۱۱:۱۳-۱۷، نقل شده].

«این آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مهر شوند، از سر بگذرانند. همه کسانی که با نگاه داشتن شریعت او و خودداری از پذیرفتن سبت جعلی، وفاداری خود را به خدا ثابت کرده‌اند، زیر پرچم خداوند خدا، یهوه، قرار خواهند گرفت و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. آنان که از حقیقت دارای منشأ آسمانی دست می‌کشند و سبت یکشنبه را می‌پذیرند، نشان وحش را خواهند گرفت.» منتشره‌های دست‌نوشته، جلد ۱۵، ۱۵.

در این دوره کنونی از تاریخ، دو شاخه که پیش‌تر به‌عنوان جمهوریت و پروتستانتیسم شناخته می‌شدند، هم‌اکنون به دموکراسی و پروتستانتیسم مرتد بدل شده‌اند. وقتی آن دو شاخ به‌طور کامل به هم بپیوندند، آنگاه یک قدرت، یک شاخ، را شکل می‌دهند. در همان دوره، خدا شاخ حقیقی پروتستانتیسم را مشخص خواهد کرد و برخواهد افراشت تا علیه تمثال وحش هشدار دهد. آن دو شاخ تا زمانی که ایالات متحده از ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس بودن دست بردارد، به موازات یکدیگر حرکت می‌کنند.

مکاشفه باب هفدهم آشکار می‌کند که اتحاد سه‌گانه اژدها (سازمان ملل متحد)، وحش (قدرت پاپی) و نبی کاذب (ایالات متحده) همان قدرتی است که سر هفتم است و از سرهای هفت‌گانه می‌باشد. آن هفت سر پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس‌اند که با بابل آغاز می‌شوند، سپس ماد و پارس، یونان و سپس روم و ثنی. سپس پادشاهی پنجم روم پاپی است که طبق نبوت در سال ۱۷۹۸ زخم مهلکی دریافت کرد. در آن مقطع از تاریخ، پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس، ایالات متحده، بر تخت نشست تا زمانی‌که به‌واسطه قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه سرنگون شود.

سازمان ملل متحد آنگاه به‌وسیله قدرتی که تمام جهان را وامی‌دارد، مجبور خواهد شد که تصویر وحش را برپا کند. در آن مقطع، پادشاهی ششم نیز زخم مهلکی خورده است، اما ایالات متحده سپس تمام جهان را وادار خواهد کرد که رهبری خود بر سازمان ملل متحد را بپذیرند و مطالبه خواهد کرد که آنان همچنین مرجعیت اخلاقی دستگاه پاپی را برای حکومت بر اتحاد سه‌گانه بپذیرند.

و به وسیله آن معجزاتی که توان انجامشان را در حضور وحش داشت، ساکنان زمین را فریب می‌دهد؛ و به ساکنان زمین می‌گوید که برای وحش تمثالی بسازند، آن که زخمی از شمشیر داشت و زنده ماند. و او قدرت داشت که به تمثال وحش جان ببخشد تا تمثال وحش هم سخن بگوید و هم باعث شود هر که تمثال وحش را پرستش نکند کشته شود. مکاشفه ۱۳:۱۳، ۱۴.

تنها تعریف «صورت وحش» در الهام این است که آن نمایانگر ترکیب کلیسا (قدرت پاپی) و دولت (سازمان ملل متحد، با ایالات متحده که کنترل نه پادشاه دیگر را در دست دارد) است. ایزابیل قدرت پاپی است؛ آخاب ایالات متحده است که پادشاه ده قبیله شمالی است.

وقتی ایالات متحده در قانون روز یکشنبه سقوط کند، صور (پاپیت) که از سال ۱۷۹۸ به فراموشی سپرده شده بود «به یاد آورده می‌شود» و او نغمه‌های اغواگرانه‌اش را آغاز می‌کند. به دلیل فروپاشی مالی که در نوشته‌های الن وایت به‌عنوان «ویرانی ملی» بازنمایی شده است، ایالات متحده ناچار می‌شود تمام جهان را گرد هم بیاورد تا با آن قدرت کتاب مقدسی که دست همگان را علیه او یکپارچه می‌کند، روبه‌رو شود. آن قدرت اسلام است، چنان‌که به‌وسیله نیای اسلام، اسماعیل، نمایانده شده است.

و فرشته‌ی خداوند به او گفت: اینک آستن هستی و پسری خواهی زایید و نام او را اسماعیل خواهی نهاد؛ زیرا خداوند رنج تو را شنیده است. و او مردی وحشی خواهد بود؛ دستش بر ضد همه خواهد بود و دست همه بر ضد او؛ و در برابر همه برادران خود ساکن خواهد شد. پیدایش ۱۱:۱۶، ۱۲.

ایالات متحده با نه پادشاه دیگر اتحاد می‌بندد و رهبری را بر عهده می‌گیرد. اما این کار را فقط برای مدت کوتاهی انجام می‌دهد و سپس اصرار خواهد کرد که قدرت پاپی در رأس همه قرار گیرد، همان‌گونه که ایزابل بر آخاب تسلط داشت.

بدین‌سان، اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب با هم به‌سوی هارمجدون رهسپار می‌شوند. عدد هشت نمایانگر رستاخیز است، و پادشاهی‌ای که بنا بر نبوت به دریافت زخمی مرگبار شناخته شده بود، پنجمین پادشاهی بود، یعنی قدرت پاپی. هنگامی که نهاد پاپی احیا شود، به هشتمین پادشاهی بدل می‌شود و اختیار اتحاد سه‌گانه به آن سپرده می‌گردد؛ و آن پادشاهی هشتم همان یکی از سرهای آن هفت پادشاهی است که به‌عنوان دریافت‌کننده زخمی مرگبار شناخته شده است، اما الهام همچنین التیام آن زخم مرگبار را نیز مشخص می‌کند.

«هرچه به آخرین بحران نزدیک‌تر می‌شویم، حیاتی است که میان عاملان خداوند هماهنگی و یگانگی برقرار باشد. جهان آکنده از طوفان و جنگ و اختلاف است. با این حال، زیر یک سر—قدرت پاپی—مردم متحد خواهند شد تا به خدا، در شخص شاهدان او، مخالفت ورزند. این اتحاد به‌وسیله مرتد بزرگ استحکام می‌یابد. او در حالی که می‌کوشد عوامل خود را در جنگ با حقیقت متحد سازد، برای تفرقه‌افکنی و پراکندن مدافعان آن کار خواهد کرد. حسادت، بدگمانی و بدگویی را او برمی‌انگیزد تا ناسازگاری و تفرقه پدید آورد.» شهادت، جلد ۷، ۱۸۲.

در آن مقطع، پادشاهی پنجم، پادشاهی ششم و پادشاهی هفتم همگی پادشاهی‌های مستقل خود را از دست داده‌اند؛ بنابراین، پادشاهی‌های مربوط به آنها همگی با هم به صورت یک پادشاهی واحد متشکل از سه بخش احیا می‌شوند، در تقلیدی جعلی از ساختار سه‌گانه الوهیت.

پادشاهی ششم که با دو شاخ بره‌مانند آغاز شد و به یک شاخ واحد که چون اژدها سخن می‌گوید پایان می‌یابد، ویژگی نبوتی قدرت پاپی را داراست، زیرا به تصویر وحش بدل می‌شود. این خود وحش، یعنی قدرت پاپی است که در وهله نخست به‌عنوان پادشاهی هشتم زنده شده که از جمله همان هفت بود، نمایانده می‌شود. اما گرچه این قدرت پاپی است که مستقیم‌تر معمای نبوتی «هشتمی که از هفت است» را تحقق می‌بخشد، ایالات متحده تصویری از پاپیت شکل می‌دهد و بنابراین از نظر نبوتی همان ویژگی‌ها را همچون قدرت پاپی پدید می‌آورد.

ایالات متحده در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، زمانی که بر اساس اشعیا باب بیست‌وسوم، صور، قدرت پاپی، قرار بود تا پایان پادشاهی ششم به فراموشی سپرده شود. ۱۷۹۸ در آغاز ادونتیسیم برای پیروان میلر زمان پایان بود. تا بهار ۱۸۴۴، ادونتیسیم میلریتی ردای پروتستانتیسم را پذیرفته بود؛ پروتستانتیسمی که با شاخ جمهوری‌خواهی نمایانگر حکومت ایالات متحده، به‌طور موازی پیش می‌رود. دو شاخ بر یک حیوان‌اند، پس در طول تاریخ با هم پیش می‌روند. آغاز و پایان ادونتیسیم با شاخ جمهوری‌خواهی

هم‌راستا است. از سال ۱۷۹۸ تا زمانی که پروتستان‌ها پیام فرشته‌ی اول را رد کردند، دوره‌ای بود که خدا آن شاخ پروتستانی را برپا داشت. او این کار را از طریق فرایند آزمون انجام داد، همان‌گونه که با شاخ جمهوری‌خواهی چنین کرد. درباره‌ی شاخ‌های موازی بسیار می‌توان گفت، اما نه اکنون.

شاخ جمهوری‌خواه با پروتستان‌تیسیم مرتد زنا می‌کند، نه با شاخ پروتستان راستین، زیرا شاخ راستین عروس بره است و او باکره است. از زمان پایان در سال ۱۹۸۹ تاکنون هفت رئیس‌جمهور بوده‌اند. ششمین آن رؤسای‌جمهور در همان سالی که جنبش پایان ادونتیسیم نیز زخم مرگبار دریافت کرد، دچار زخم مرگبار شد. هشتمین رئیس‌جمهور از زمان پایان در ۱۹۸۹، همان کسی خواهد بود که زخم مرگبار دریافت کرده و آن زخم شفا یافته است. او باید رئیس‌جمهوری باشد که از میان آن هفت است. هم‌زمان، در سال ۲۰۲۰، هنگامی که ششمین رئیس‌جمهور زخم مرگبار خود را دریافت کرد، شاخی که اکنون ردای پروتستانی را بر دوش دارد نیز کشته شد. چنان‌که درباره‌ی وحش کاتولیسیم و نیز «تصویر وحش» پروتستان‌تیسیم مرتد چنین است، درباره‌ی شاخ اصیل پروتستان‌تیسیم نیز چنین است. شاخ پروتستان‌تیسیم به‌عنوان کلیسای ششم معرفی می‌شود که هشتمی می‌گردد، اما از آن هفت است.

وقتی این ادعاها را می‌آزمایید، به یاد داشته باشید پیامی که درست پیش از پایان دوره‌ی آزمایش مهرش گشوده می‌شود، بی‌تردید در چارچوبی ارائه خواهد شد که در آن آغاز تصویرگر پایان است. آن پیام با روش‌شناسی «تاریخ‌گرایی» ارائه خواهد شد؛ روشی که برای شناسایی پایان جهان، تاریخ کتاب مقدس را با تاریخ جهان همسو می‌کند. آن پیام از زمین سر برمی‌آورد.

راستی از زمین خواهد رُست؛ و عدالت از آسمان فرو خواهد نگرست. آری، خداوند آنچه را که نیکوست عطا خواهد کرد؛ و سرزمین ما ثمره‌ی خود را خواهد داد. عدالت پیشاپیش او خواهد رفت؛ و ما را در راه گام‌هایش خواهد نهاد. مزبور ۸۵: ۱۱-۱۳.

موضوع صرفاً این نیست که در آن بخش «زمین» به‌عنوان «سرزمین» شناسایی شده است. بخشی در مزامیر نه‌تنها «سرزمین» را «وحش زمین» مکاشفه‌سازده معرفی می‌کند، بلکه همچنین خاطرنشان می‌کند که «راستی» از زمین «می‌روید».

کدام ملت جهان نو در سال ۱۷۹۸ در حال قدرت‌گرفتن بود، نوید نیرو و عظمت می‌داد و توجه جهان را به خود جلب می‌کرد؟ تطبیق این نماد جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد. یک ملت، و فقط یک ملت، با مشخصات این نبوت انطباق دارد؛ بی‌ابهام به ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کند. بارها و بارها اندیشه، و تقریباً همان واژگان، نویسنده مقدس ناآگاهانه از سوی خطیب و تاریخ‌نگار در توصیف ظهور و رشد این ملت به کار رفته است. وحش دیده شد که «از زمین برمی‌آمد»؛ و بنا به گفته مترجمان، واژه‌ای که اینجا به «برآمدن» ترجمه شده، به‌طور تحت‌اللفظی به معنای «رویدن یا چون گیاهی سر برآوردن» است. مناقشه بزرگ، ۴۴۰.

ایالات متحده همان وحش زمین است که «سر برمی‌آورد». بنابراین، وقتی ادعاهای مطرح‌شده در این مقالات را می‌آزمایید، الهام نشان می‌دهد که پیام بر این اصل بنا خواهد بود که پایان به‌وسیله آغاز به تصویر کشیده می‌شود، در زمینه «خط تاریخی بر خط تاریخی» قرار داده می‌شود، و باید از صدایی در ایالات متحده صادر گردد. البته در خود ایالات متحده صداهای دروغین نیز وجود دارد، اما بر طبق و بر مبنای اقتدار کلام خدا، هر پیام‌آور یا خدمتی که در خارج از ایالات متحده مستقر است یا منشأ دارد، نوری کاذب است. ادونتیسیم در ایالات متحده با صدای یک مرد و جنبشی که در ایالات متحده بنیان نهاده شد آغاز شد. عیسی پایان چیزی را با آغاز آن چیز نشان می‌دهد.

آن که گوش دارد، بشنود آنچه روح به کلیساها می‌گوید.